

کدامیک از انواع همسرآزاری شایع تر است؟

Photo: VadimGuzhva/Bigstock.com

پدیده خشونت خانوادگی علیه زنان ریشه بسیاری از آسیب‌های فردی و اجتماعی تلقی می‌شود و در تمامی کشورهای دنیا، توسعه‌یافته و در حال توسعه، و در همه طبقات اجتماعی و اقتصادی، گروه‌های سنی و شغلی تفاوت به چشم می‌خورد. خشونت خانوادگی دارای عواقب جسمانی غیرکشنده مثل جراحت (از بریدگی تا شکستگی و آسیب ارگان‌های داخلی) و عواقب روانی مثل افسردگی، ترس، اضطراب، مشکلات تغذیه‌ای، اختلالات جنسی، وسواس و اختلال در عمل کرد اجتماعی است.

به گزارش **مه‌رخانه**، از آن‌جا که زنان عامل امنیت خاطر و شکل‌گیری پیوندهای اخلاقی و عاطفی خانواده و به تبع آن جامعه هستند، این سؤالات مطرح است که اولاً خشونت علیه زنان در ابعاد مختلف در جامعه مورد مطالعه به چه میزان بوده و ثانیاً کدامیک از متغیرهای مورد استفاده توانسته‌اند بیشترین تأثیرگذاری را بر آن داشته باشند؟ در این پژوهش تلاش بر این است که به سؤالات یادشده از جوانب مختلف پاسخی علمی ارائه گردد.

روش‌شناسی

روش تحقیق به کاررفته در این پژوهش، بر اساس هدف تحقیق، از نوع کاربردی و بر اساس نحوه گردآوری داده‌ها، پیمایشی است. جامعه آماری در این پژوهش، کلیه زنان متأهل از شهر تبریز است که بر اساس سرشماری عمومی نفوس و مسکن سال ۵۸۳۱، ۰۶۴۸۷۳ نفر زن متأهل هستند که از این میان، ۴۸۳ نفر به روش نمونه‌گیری تصادفی طبقه‌ای به نسبت ۸ منطقه شهرداری و با استفاده از فرمول کوکران انتخاب گردیدند.

یافته‌های توصیفی تحقیق

الف) سرمایه اجتماعی
بر اساس یافته‌ها، میانگین سرمایه اجتماعی کل در بین آزمودنی‌ها در حد متوسط به بالا است. به‌طور کلی می‌توان گفت که میزان حمایت‌های دریافتی زنان از خانواده پدری زیاد بوده و در این میان زنان کمترین حمایت را از دوستانشان دریافت کرده‌اند.

ب) همسرآزاری
بر اساس یافته‌ها در بین انواع همسرآزاری‌ها میانگین همسرآزاری روانی در بین زنان بیشترین مقدار را داشته و همسرآزاری فیزیکی زنان پایین‌ترین مقدار را به خود اختصاص داده است.

یافته‌های استنباطی دومتغیره و چندمتغیره

برای سنجش همبستگی بین متغیر سرمایه اجتماعی با ابعاد چهارگانه (حمایت خانواده پدری، حمایت خانواده شوهری، حمایت دوستان و اعتماد بین زن و شوهر) و همسرآزاری در ابعاد چهارگانه (همسرآزاری فیزیکی، همسرآزاری روانی، همسرآزاری جنسی و همسرآزاری اقتصادی) از ضریب همبستگی پیرسون استفاده شد. نتایج نشان داد:

رابطه خطی بین سرمایه اجتماعی و ابعاد آن با همسرآزاری روانی به تأیید رسید. در ضمن، همبستگی کلیه ابعاد سرمایه اجتماعی با همسرآزاری روانی به‌جز حمایت دوستان با اطمینان ۹۹ درصد و سطح معنی‌داری ۱۰۰۰ معنی‌دار واقع شد. بعد مذکور نیز در سطح معنی‌داری ۵۰۰۰ با همسرآزاری روانی همبستگی معنی‌دار و معکوسی داشت. شدت همبستگی سرمایه اجتماعی کل و ابعاد حمایت خانواده پدری و اعتماد بین زن و شوهر با متغیر همسرآزاری روانی، متوسط و با ابعاد حمایت خانواده پدر و حمایت دوستان ضعیف است. هم‌چنین نوع رابطه معکوس است؛ بدین معنی که هرچه سرمایه اجتماعی زنان پایین‌تر باشد، همسرآزاری روانی بیشتر است.

همبستگی بین متغیر سرمایه اجتماعی و سه بعد آن (حمایت خانواده پدری، حمایت خانواده شوهری و اعتماد بین زن و شوهر) در سطح معنی‌داری ۱۰۰۰، و بعد حمایت دوستان در سطح معنی‌داری ۵۰۰۰، با همسرآزاری فیزیکی، معنی‌دار است، نوع رابطه نیز معکوس و منفی است. همبستگی بین سرمایه اجتماعی و ابعاد آن به‌جز حمایت خانواده پدری با همسرآزاری جنسی در سطح معنی‌داری ۱۰۰۰ به تأیید رسید؛ نوع رابطه نیز معکوس است.

رابطه خطی بین سرمایه اجتماعی و تمامی ابعاد با همسرآزاری اقتصادی با اطمینان ۹۹ درصد و سطح معنی‌داری ۱۰۰۰ درصد مورد تأیید واقع شد. شدت همبستگی سرمایه اجتماعی کل، متوسط و نوع رابطه‌ها نیز معکوس است.

همبستگی بین سرمایه اجتماعی و ابعاد آن با همسرآزاری کل نیز با سطح معنی‌داری ۱۰۰٪ به تأیید رسید، همچنین نوع رابطه معکوس است؛ بدین نحو که هرچه سرمایه اجتماعی کل و ابعاد آن در سطح پایین‌تر باشد، همسرآزاری بالاتر خواهد بود.

در تحلیل مسیر صورت‌گرفته، نتایج تأثیرات مستقیم، غیرمستقیم، و کل ابعاد چهارگانه سرمایه اجتماعی (حمایت خانواده پدری، حمایت خانواده شوهری، حمایت دوستان و اعتماد بین زن و شوهر) بر همسرآزاری به شرح زیر است:

اثر مستقیم متغیر اعتماد بین زوجین بر متغیر همسرآزاری روانی ۰/۶۲- و معنی‌دار بوده است؛ تأثیر غیرمستقیم این متغیر بر همسرآزاری روانی یعنی از طریق متغیرهای همسرآزاری جسمی، جنسی و اقتصادی ۰/۵۲- و معنی‌دار برآورده شده و در مجموع این متغیر توانسته است ۰/۱۵- از تغییرات متغیر وابسته همسرآزاری را تبیین کند.

متغیر حمایت دوستان ۰/۲۰- تأثیر مستقیم و غیر معنی‌دار بر متغیر همسرآزاری روانی داشته است. این متغیر از طریق متغیرهای همسرآزاری جسمی، جنسی، اقتصادی و متغیر اعتماد بین زوجین، ۰/۸۰- بر همسرآزاری روانی تأثیر غیرمستقیم و معنی‌دار داشته است. در مجموع این متغیر ۰/۰۱- تغییرات متغیر همسرآزاری روانی را تبیین کرده است.

متغیر حمایت خانواده شوهر، از طریق متغیرهای همسرآزاری جسمی، جنسی، اقتصادی و اعتماد بین زوجین بر متغیر وابسته همسرآزاری روانی ۰/۴۱- اثر مستقیم و ۰/۲۲- اثر غیرمستقیم داشته است. متغیر حمایت خانواده شوهر در مجموع ۰/۲۲- درصد از تغییرات متغیر همسرآزاری روانی را تبیین کرده است.

متغیر حمایت خانواده پدری زن ۰/۵۰- اثر مستقیم و غیر معنی‌دار و ۰/۸۰- تأثیر غیرمستقیم و غیر معنی‌دار و در مجموع ۰/۳۱- بر متغیر همسرآزاری روانی تأثیر داشته است. متغیر همسرآزاری جسمی ۰/۱۳- درصد، متغیر همسرآزاری جنسی ۰/۶۱- درصد و متغیر همسرآزاری اقتصادی ۰/۵۲- درصد تأثیر مستقیم و معنی‌دار بر همسرآزاری روانی داشته‌اند. همچنین متغیر همسرآزاری اقتصادی ۰/۴۱- بر متغیر همسرآزاری روانی را تبیین کرده است. نتیجه بارز این که سه متغیر اعتماد بین زوجین، همسرآزاری اقتصادی و حمایت خانواده شوهر، بیشترین تأثیر را بر همسرآزاری روانی داشته‌اند. به این نحو که بر اساس یافته‌ها زمانی از احساس آزرده‌گی روانی زنان مورد مطالعه کاسته می‌شود که الف) شوهر به لحاظ اقتصادی زن را در تنگنا قرار ندهد و آزادی نسبی نیز به او اعطا نماید ب) بین زن و شوهر اعتماد بالایی وجود داشته باشد و ج) خانواده شوهر از عروس خانواده حمایت لازم را انجام دهند.

اثر مستقیم متغیر اعتماد بین زوجین بر متغیر همسرآزاری جسمی ۰/۴۱- بوده است. این متغیر از طریق متغیر همسرآزاری اقتصادی ۰/۸۱- درصد اثر غیرمستقیم و معنی‌دار بر همسرآزاری جسمی داشته و در مجموع ۰/۲۳- درصد از تغییرات متغیر وابسته همسرآزاری جسمی را تبیین کرده است. متغیر حمایت دوستان ۰/۲۰- تأثیر مستقیم و غیر معنی‌دار و همچنین ۰/۶۰- درصد تأثیر غیرمستقیم از طریق متغیرهای اعتماد بین زوجین و همسرآزاری اقتصادی بر متغیر همسرآزاری جسمی داشته است؛ متغیر مذکور در کل ۰/۸۰- تأثیر غیر معنی‌دار بر همسرآزاری جسمی داشته است. متغیر حمایت خانواده شوهر ۰/۳۰- تأثیر مستقیم غیر معنی‌دار بر متغیر همسرآزاری جسمی داشته است، ولی متغیر مذکور از طریق متغیرهای اعتماد بین زوجین و همسرآزاری اقتصادی ۰/۴۱- تأثیر غیرمستقیم و معنی‌دار بر متغیر وابسته همسرآزاری جسمی داشته است و در مجموع ۰/۷۱- درصد از تغییرات متغیر همسرآزاری جسمی را برآورد کرده است.

تأثیرات مستقیم و غیرمستقیم و کل متغیر حمایت خانواده پدری بر متغیر همسرآزاری جسمی به ترتیب ۰/۵۰-، ۰/۴۰- و ۰/۹۰- و غیر معنی‌دار بوده است. متغیر همسرآزاری اقتصادی نیز ۰/۳۴- درصد از تغییرات متغیر همسرآزاری جسمی را تبیین می‌کند. نکته مهم این که همسرآزاری اقتصادی و اعتماد بین زن و شوهر بیشترین تأثیر را بر متغیر همسرآزاری جسمی داشته‌اند.

اثر مستقیم متغیر اعتماد بین زوجین بر متغیر همسرآزاری جنسی ۰/۸۲- و معنی‌دار بوده است؛ اثر مستقیم متغیر حمایت دوستان بر متغیر همسرآزاری جنسی نیز ۰/۲۱- و معنی‌دار بوده است، ولی اثر غیرمستقیم این متغیر بر متغیر همسرآزاری جنسی از طریق اعتماد بین زوجین ۰/۱۰- و غیر معنی‌دار بوده است و در مجموع متغیر مذکور ۰/۳۱- درصد از تغییرات متغیر وابسته همسرآزاری جنسی را برآورد می‌کند.

متغیر حمایت خانواده شوهری ۰/۴۰- اثر مستقیم غیر معنی‌دار و ۰/۰۱- درصد اثر غیرمستقیم و معنی‌دار از طریق اعتماد بین زوجین بر متغیر همسرآزاری جنسی را تبیین کرده است. متغیر حمایت خانواده پدری ۰/۱۰- اثر مستقیم و ۰/۳۰- اثر غیرمستقیم و در مجموع ۰/۴۰- درصد تأثیر بر متغیر همسرآزاری جنسی داشته است. گفتمانی است کلیه اثرات مذکور بر متغیر همسرآزاری جنسی غیر معنی‌دار بوده است. در این میان متغیر اعتماد بین زوجین بیشترین تأثیر را بر متغیر وابسته همسرآزاری جنسی داشته است.

متغیر اعتماد بین زوجین ۰/۲۴- درصد تأثیر مستقیم بر متغیر همسرآزاری اقتصادی داشته است. اثر مستقیم متغیر حمایت دوستان بر متغیر همسرآزاری اقتصادی ۰/۰۱- و معنی‌دار بوده است، ولی تأثیر غیرمستقیم این متغیر از طریق اعتماد بین زوجین بر متغیر همسرآزاری اقتصادی نیز ۰/۲۱- درصد برآورد گردید.

متغیر حمایت خانواده شوهر نیز ۰/۷۰- اثر مستقیم و غیر معنی‌داری بر متغیر همسرآزاری اقتصادی داشته است؛ همچنین، این متغیر از طریق متغیر اعتماد بین زوجین ۰/۴۱- تأثیر غیرمستقیم و معنی‌دار بر متغیر همسرآزاری اقتصادی داشته است و در مجموع متغیر مذکور توانسته

است ۱۲/- درصد از تغییرات همسرآزاری اقتصادی را تبیین کند. متغیر حمایت خانواده پدری ۰.۳/- اثر مستقیم و غیرمعنی دار از طریق متغیر اعتماد بین زوجین بر متغیر همسرآزاری اقتصادی داشته است؛ همچنین اثر کل این متغیر بر متغیر وابسته همسرآزاری اقتصادی ۷۰/- و غیرمعنی دار برآورد شده است. در این بین، متغیر اعتماد بین زوجین بیشترین تأثیر را بر متغیر همسرآزاری اقتصادی داشته است.

نتیجه گیری

هدف تحقیق حاضر بررسی رابطه بین سرمایه اجتماعی در ابعاد چهارگانه با متغیر همسرآزاری بود. نتایج حاکی از آن است که همسرآزاری روانی با ۳۲ درصد، بیشترین میزان را در بین سایر ابعاد به خود اختصاص داده است، بدین معنی که اغلب زنان دچار همسرآزاری روانی بوده‌اند؛ از طرفی، میانگین به دست آمده برای همسرآزاری کل در حد کمی برآورد گردید. همچنین میانگین به دست آمده برای متغیر سرمایه اجتماعی، در کل، در حد زیادی قرار داشت. در ضمن، رابطه خطی بین متغیرهای سرمایه اجتماعی کل و ابعاد مربوط به همسرآزاری کل و ابعاد آن (به جز بعد همسرآزاری جنسی متغیر همسرآزاری با بعد حمایت خانواده پدری) تأیید شد؛ نوع رابطه نیز معکوس بود. بدین معنی که هرچه سرمایه اجتماعی زنان مورد مطالعه بیشتر باشد، همسرآزاری نیز پایین تر خواهد بود؛ برعکس، هرچه سرمایه اجتماعی زنان در سطح پایینی قرار داشته باشد، همسرآزاری نیز بیشتر است.

نتایج حاصل از تحلیل مسیر نیز حاکی از این بود که بعد اعتماد بین شخصی متغیر سرمایه اجتماعی در پیش‌بینی و تبیین ابعاد چهارگانه همسرآزاری بیشترین تأثیر را داشته است؛ همچنین در این تحلیل، همسرآزاری اقتصادی بخش عمده‌ای از تغییرات همسرآزاری روانی و همسرآزاری جسمی را تبیین کرده است.

چه باید کرد؟

با توجه به اهمیت پیش‌گیری از خشونت خانگی علیه زنان، به نظر می‌رسد با تدوین برنامه‌های پیش‌گیرانه و برنامه‌های مشاوره خانوادگی لازم برای زوجین از سوی نهادهای آموزشی و سایر نهادها، می‌توان در چند جهت گام برداشت: افزایش حمایت‌های غیررسمی از سوی خانواده‌های زوجین، افزایش سرمایه اجتماعی زنان خشونت‌دیده از طریق حمایت‌های رسمی از سوی نهادهای دولتی و غیردولتی.

همچنین مشخص شد که اعتماد بین زوجین به عنوان یکی از بعدهای اساسی سازه سرمایه اجتماعی، از عوامل مؤثر در پیش‌بینی و تبیین پدیده همسرآزاری است. لذا زوجین باید وقت زیادی را صرف تقویت ارتباط و اعتماد بین اعضای خانواده، مخصوصاً بین خودشان کنند. البته باید توجه داشت که این ارتباط و اعتماد مبتنی بر صمیمیت و خالصانه باشد؛ چراکه فقط در این شرایط سرمایه اجتماعی در بین زوجین افزایش می‌یابد و منجر به کاهش اختلافات زناشویی از جمله خشونت می‌گردد. از طرفی با توجه به این که همسرآزاری اقتصادی تأثیر عمده‌ای در تبیین تغییرات همسرآزاری روانی و همسرآزاری جسمی داشته و از عوامل اصلی افزایش این دو نوع همسرآزاری محسوب می‌گردد، پیشنهاد می‌شود که با ارائه حمایت‌های اقتصادی و عاطفی لازم از سوی خانواده‌های زوجین، زمینه برای جلوگیری از همسرآزاری اقتصادی، همسرآزاری روانی و همسرآزاری جسمی فراهم آید.

لازم به ذکر است پژوهش حاضر با عنوان کامل سنجش میزان همسرآزاری و عوامل مؤثر بر آن با تأکید بر سرمایه اجتماعی توسط دکتر محمد عباس‌زاده و موسی سعادت‌ی انجام و سال ۱۹۳۱ در فصلنامه مسائل اجتماعی ایران منتشر شده است.